

رانندگی با چاشنی بوق

شاید برای بسیاری از ما اتفاق افتاده باشد پشت چراغ قرمز ایستاده‌ایم و چون زمان چراغ زیاد است و کاری از دستان بر نمی‌آید، ترجیح می‌دهیم ...



جام جم آنلاین: شاید برای بسیاری از ما اتفاق افتاده باشد پشت چراغ قرمز ایستاده‌ایم و چون زمان چراغ زیاد است و کاری از دستان بر نمی‌آید، ترجیح می‌دهیم از آرامش چند دقیقه‌ای استفاده کرده و برای چند لحظه‌ای هم که شده، دست را از فرمان و پا را از روی پدال برداریم، اما هنوز چراغ سبز نشده که بوق‌های پی‌پی شروع می‌شود.

به طوری که برای این‌که زودتر از صدای بوق‌ها راحت شویم با سراسیمگی از چهارراه عبور می‌کنیم. در این حالت معمولاً فشار عصبی ناشی از بوق زدن‌های پی‌پی به حدی است که ما را عصبانی کند و در آن لحظه مشکلات دیگر از یادمان برود، یا زمانی که می‌خواهیم به خیابان سمت راست بپیچیم، با این‌که گردش به راست آزاد است با خونسردی راننده جلویی مواجه می‌شویم که راه را بسته است و هیچ توجهی به این موضوع ندارد. اینها مشکلاتی است که بتدریج به معضل تبدیل شده است؛ عادت‌هایی که مانند بسیاری از کارهای روزمره با فرهنگ رانندگی ما نیز عجین شده است.

شاید اگر از کسی که اولین بار به فکر استفاده از بوق در اتومبیل افتاد، درباره هدف او از این کار پرسیده بودیم کارایی آن را بسیار مهم‌تر از کاربردهایی می‌دانست که این روزها ما از آن بهره می‌بریم. بی‌شک بوق یکی از پرکارترین اجزا و قطعات اتومبیل است که متأسفانه دیر هم خراب می‌شود. شاید اگر بوق خودروها مانند لنت ترمز و دیسک و صفحه اتومبیل پرهزینه بود و زود خراب می‌شد استفاده نابجا از آن اینقدر رایج نمی‌شد.

برای سوار کردن مسافران یکی از مهم‌ترین وسایلی که نقش حنجره را بازی می‌کند بوق است. زمانی که به مبارکی مراسم عروسی برگزار می‌شود زوج خوشبخت و همراهانشان از بوق زدن برای بیان شادی و بروز هیجان خود استفاده می‌کنند. اگر اتومبیلی به اندازه یک ثانیه دیرتر پس از سبز شدن چراغ راهنمایی حرکت کند بوق به وسیله‌ای برای نشان دادن اعتراض تبدیل می‌شود. هنگامی که می‌خواهیم با دوست عزیزی سلام و احوالپرسی کنیم، از فرط هیجان از بوق استفاده می‌کنیم. همچنین اگر بخواهیم از همان دوست خداحافظی کنیم، باز هم با بوق زدن احساسات خود را بروز می‌دهیم. وقتی از موضوع خاصی عصبانی هستیم و دلمان از روزگار و دوست و فامیل گرفته، بوق زدن بهترین راه برای بروز عصبانیت می‌شود. نکته مبهم در این میان کاربرد اصلی این وسیله است که برای ما همچنان در حاله‌ای از ابهام قرار دارد.

ضرورت فرهنگسازی ترافیکی

سیدجعفر تشکری هاشمی، معاون حمل و نقل و ترافیک شهردار تهران با بیان این‌که ناهنجاری‌های رفتاری در حوزه رفتارهای ترافیکی عامل اصلی افزایش حوادث رانندگی و تلفات ناشی از آن در کشورمان است، می‌گوید: با توجه به رشد چشمگیر و پرشتاب شهرنشینی و زندگی ماشینی، افزایش آمد و شدهای شهری نیاز به فرهنگسازی دارد. پایبندی به ارزش‌های دینی، اجتماعی و اخلاقی و آموزش مداوم و موثر در رفتارهای ترافیکی افراد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مردم ایران در بسیاری از اصول اخلاقی و رفتاری سرآمد و زبانزد مردم دنیا هستند، اما متأسفانه در اصول و قواعد رانندگی و رفتارهای ترافیکی این ویژگی کمتر در مردم ما به چشم می‌خورد.

تشکری هاشمی تأکید می‌کند: فرهنگ ترافیک در کشور ما حتی در مقایسه با بسیاری کشورهای منطقه در سطح پایین‌تری قرار دارد و متأسفانه بی‌مبالاتی‌های بسیاری را در رفتارهای ترافیکی شهروندان شاهد هستیم که به وقوع تصادفات رانندگی منجر می‌شود. البته بسیاری از مشکلات ترافیکی، از نبود برنامه‌ریزی و آینده‌نگری و نیز فقدان آموزش‌های صحیح در گذشته نیز نشأت می‌گیرد که باید به این منظور تمام ظرفیت‌های موجود به کار گرفته شود.

وی با بیان این‌که احساس نیاز، عزم جدی، خواست ملی و مشارکت همگانی، راه‌حل برون‌رفت از شرایط فعلی فرهنگ ترافیک است، می‌افزاید: در کمتر پدیده اجتماعی مانند ترافیک، چنین لجام‌گسیختگی و گستردگی دیده می‌شود و شاید این موضوع به آن علت باشد که جامعه ما جامعه‌ای فردگراست و از دیرباز کمتر تجربه و تمرین کار جمعی را داشته است. تقریباً همه مردم تهران و کلانشهرهای کشور از مساله ترافیک متاثرند و از این‌رو همه دستگاه‌های اجرایی باید در حل این مساله مشارکت داشته باشند.

سازمان فرهنگ ترافیک

میان جرم با تنبیه باید تناسب وجود داشته باشد. قانون باید سختگیرانه بوده و از چنان بازدارندگی برخوردار باشد که با تاثیرگذاری لازم در آحاد جامعه، در پیشگیری از جرم توسط افراد خاطی موثر واقع شود. در زمینه آموزش فرهنگ ترافیک به آحاد جامعه راه طولانی را پیش رو داریم. در این مورد نباید آموزش ترافیک به امتحان از آیین نامه راهنمایی و رانندگی هنگام اخذ گواهینامه محدود شود، بلکه تمامی دستگاه‌های دست‌اندرکار باید در این زمینه ورود پیدا کنند.

نکته: متاسفانه جایگاه قانونی برای سازمانی به‌عنوان متولی فرهنگ ترافیک وجود ندارد از این رو ضروری است سازمانی به‌عنوان متولی تشکیل شود تا اقدامات اساسی برای بهبود فرهنگ ترافیک و رانندگی صورت گیرد
بیش از 30 سازمانی که به نوعی در موضوع ترافیک درگیرند و خود را در این زمینه مسئول می‌دانند، اگر در مورد فرهنگ ترافیک نیز خود را مسئول بدانند بسیاری از مشکلات حل می‌شود. متاسفانه جایگاه قانونی برای سازمانی به‌عنوان متولی فرهنگ ترافیک وجود ندارد و از این رو پیشنهاد می‌شود سازمانی به‌عنوان متولی فرهنگ ترافیک انتخاب شود و البته تا آن زمان شایسته است تمام سازمان‌های دست‌اندرکار دست به دست هم داده و در جهت درمان این درد قدیمی گام بردارند.

خانواده و فرهنگ رانندگی

زهیر شاهرخی روان‌شناس، درباره پیش‌زمینه‌های فرهنگ‌سازی ترافیکی می‌گوید: در بعضی از جوامع افراد از روی ترس و اجبار یا به خاطر تشویق دیگران، قوانین را رعایت می‌کنند. این جوامع از نظر رشد اخلاقی در مرحله پیش‌قراردادی هستند. زمینه‌های مناسب خانوادگی و اجتماعی، موجب رشد اخلاقی افراد از مرحله پیش‌قراردادی (اجرای قوانین از روی ترس و تشویق) به مرحله قراردادی و حتی مافوق قراردادی که درونی شدن قوانین است، خواهد شد. در این صورت بتدریج انگیزه فرد به انگیزه‌های درونی سوق داده خواهد شد و به دنبال تسری این موضوع و البته الگوبرداری کودکان از والدین، این فرهنگ همه‌گیر خواهد شد.

بنابراین، باید زیربنای تربیتی افراد در خانواده و در ادامه در مدرسه و جامعه درست پایه‌ریزی شود تا افراد با مهارت‌های زندگی از قبیل خودکنترلی و روان‌شناسی سازگاری آشنا شوند. همچنین خانواده‌ها باید در رشد اجتماعی و عاطفی افراد تا جایی که مقدور است تعارض‌ها و ناکامی‌ها را کاهش دهند، چراکه در بعضی از موارد افراد برای جبران جایگاه ناموفق اجتماعی، فضای رانندگی را برای خودنمایی و نمایش برتری خود، انتخاب می‌کنند. وی ادامه می‌دهد: با وجود جایگاه موثر خانواده و جامعه، نقش خود شخص بسیار تاثیرگذار است. فرد باید شناخت کامل و جامعی از رفتارها و عکس‌العمل‌های خود داشته باشد و شخصیت خود را بدرستی بشناسد؛ در این صورت با بروز مشکلات مختلف در رانندگی موقعیت خود را مدیریت خواهد کرد.

حلقه مفقوده کجاست؟

بستن کمربند ایمنی، تنظیم فاصله با اتومبیل جلویی، زدن راهنما هنگام پیچیدن، دنده عقب نرفتن در بزرگراه‌ها و... همگی قوانینی است که هنوز در کشور ما از سوی رانندگان رعایت می‌شود، ولی خطاهایی وجود دارد که از سوی بعضی از رانندگان زیاد جدی گرفته نمی‌شود. شاید هنوز اهمیت پیامد ناگوار این تخلفات برای مردم آشکار نشده است، اما بعضی از تخلفات است که جریمه مشخصی برای آن در قوانین راهنمایی و رانندگی نوشته نشده است. کارهایی که ممکن است به ظاهر تخلف محسوب نشود و خطر آنی و جانی نداشته و هزینه سنگینی نیز در پی ندارد ولی بتدریج پیامدهای به مراتب خطرناکتری از تخلفات ذکر شده خواهد داشت، تخلفاتی که بیشتر می‌توان آن را به‌عنوان احترام نگذاشتن به حقوق شهروندان نام برد. اینها مصادیق بارزی است از رعایت نکردن حقوق متقابل شهروندان؛ مصادیقی که آرامش و تمرکز ما را برای سپری کردن یک روز کاری بر هم خواهد زد.

مسئله ترافیک و تردد خودروها در سطح کلانشهرهایی چون تهران علاوه بر افزایش آلودگی‌های صوتی و زیست‌محیطی پیامدهای ناگواری بر اعصاب و روان شهروندان می‌گذارد. در چنین شرایطی افزایش آلودگی‌های صوتی و روانی اعم از بوق زدن‌های بی‌پای، توقف در جلوی پارکینگ‌ها، بستن مسیر گردش به راست و... از مواردی است که چون جریمه خاصی برای آن وجود ندارد، متاسفانه از سوی رانندگان جدی گرفته نمی‌شود؛ خطاهایی که نمی‌توان آن را به گردن پلیس انداخت، چراکه تا حد زیادی به ارزشگذاری ما به حقوق دیگران برمی‌گردد.

علیرضا بهشتی / جام‌جم